

امروز شما

فرودین: این روزها اعتماد به نفس بالایی ندارید و مدام فکر می کنید که دیگران می خواهند از کارها و رفتارهای شما ایراد بگیرند اما در این شرایط شما تنها احتیاج به آرامش دارید و دوست ندارید خودتان را با مشکلات درگیر کنید.

اردیبهشت: امروز همه چیز به نظرانتان عجیب و غریب می آید. احساس می کنید که شاید بد نباشد مسائل را کمی جدی تر بگیرید و از زاویه دید دیگری به آنها نگاه کنید. عدم تمرکز شما ممکن است بزرگترین دشمن این روزهایتان باشد پس کمی بیشتر برای خودتان وقت بگذارید.

خرداد: این روزها رابطه عاطفی شما دچار تلاطم شده است و کمی نگران به نظر می رسید اما بهتر است صداهایی که در سرتان مدام تکرار می شود را آرام کنید. نشانی عمیق بکشید و به این فکر کنید که هیچ چیزی در این دنیا ارزش غم و غصه خوردن ندارد و همه چیز زودگذر است.

تیر: مشکلات عاطفی ذهن شما را درگیر کرده است، اگر چه سخت است اما اجازه ندهید که این احساس بر شما غلبه کند. یکی از دوستانتان برای کمک گرفتن با شما تماس می گیرد. سعی نکنید در این شرایط تنها از تجربه های خود برای او بگویید، به او نیز فرصت دهید تا خود را تخلیه کند.

مرداد: یک درگیری میان شما و یکی از همکارانتان رخ داده که شما را در مورد پیشرفت شغلی آیندهتان نگران کرده است. از آنجا که در حال حاضر نمی توانید در مورد این موضوع نظر دهید، سعی کنید خودتان را کنترل کنید و زمانتان را صرف نگرانی و فکرها بی جا نکنید.

شهریور: امروز روز بسیار خوب و فوق العاده ای برای شما خواهد بود طوری که می توانید ایده ها و احساسات خود را با دیگران به اشتراک بگذارید و عشقی که لایق آن هستید را به دست آورید.

مهر: محدودیت های همیشگی را کنار بگذارید و هر کاری که دلتان می خواهد انجام دهید. دلیلی برای ایستادن و جود ندارد، پس جلوی هیجانات خود را نگه دارید و از تک تک لحظه های زندگی، حتی موهایی که شما را با خود به این طرف و آن طرف پرتاب می کنند، لذت ببرید.

آبان: امروز روز شما است، پس بر امور کنترل داشته باشید و کمی پایتان را از محدودیت ها فراتر بگذارید. مطمئن باشید که از این کار پشیمان نخواهید شد. شما آقدر می درخشید که نورتان توجه افراد زیادی را به خود جلب خواهد کرد. اطرافتان نگاه کنید و زندگی هم لبخند بیشتری نثار شما کند.

آذر: پیدا کردن راه حل آقدرها که شما فکر می کنید، سخت نیست فقط کافی است به خود و توانایی هایتان ایمان داشته باشید. شاید آن چه به دنبالش هستید، آقدرها هم دور از دسترس نباشد. پس بد نیست کمی دید خود را تغییر دهید و عمیق تر به اطرافتان بنگرید.

دی: امروز یک پیشنهاد کاری خوبی به شما می شود، آن را از دست ندهید زیرا بر شرایط مالی شما تأثیر خوبی خواهد گذاشت شما را به ایده آل هایتان نزدیک تر خواهد کرد. اگر در رابطه عاطفی خود دچار تردید شده اید، گفتگو بهترین راه است.

بهمن: میان یک دوراهی گیر کرده اید. شاید بد نباشد که این بار از آن راهی بروید که تا به حال جرات قدم گذاشتن در آن را نداشته اید. رهاکنان را عوض کنید و وقتتان را به جای افتادن در چاله ها، صرف بالا رفتن از تپه ها و رسیدن به قله ها بکنید و به دنبال راهی باشید که شایسته شما است.

اسفند: وقت شما با ارزش است پس آن را صرف بحث کردن در مورد مسائلی که دیگران آن را درک نمی کنند، نکنید. از مکالمه های طولانی مدت اما بی نتیجه نیز بپرهیزید و انرژی خود را برای چیزهای مهمتری بگذارید.

داستان پیدا شدن پیکر شهید بهشتی اولین باری که شهید رجایی گریست پنهان کردن خبر شهادت بهشتی از آیت الله خامنه ای



برای نخستین بار روایت شد

تا به امروز حادثه ترورستی هفتم تیر ۱۳۶۰ که منجر به شهادت ۷۲ تن از عزیزترین همراهان انقلاب از جمله شهید آیت الله بهشتی شد از زوایای مختلف مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است اما شاید روایت وزیر بهداشت وقت از آن رویداد تلخ و این که چگونه خودش از حادثه ترورستی نجات یافته، ناگفته مانده باشد. به گزارش جام جم آنلاین، دکتر هادی منافی وزیر بهداشتی وقت از جمله دعوت شدگان در جلسه حزب جمهوری اسلامی در روز هفتم تیر بوده است اما به دلیل آن که روز قبل از این حادثه حضرت آیت الله خامنه ای مورد حمله ترورستی منافقین قرار می گیرند در بیمارستان قلب تهران درمان ایشان را پیگیری می کرد.

آنچه در ادامه می خوانید بازخوانی حادثه ترورستی هفتم تیر ۱۳۶۰ تهران در گفت و گوی جام جم آنلاین با دکتر منافی است.

آیت الله خامنه ای در روزی که حضرت آیت الله خامنه ای در مسجد ابوذری تهران مورد سوء قصد قرار گرفتند، یک عملیات ترورستی دیگر هم در تهران اتفاق افتاد و آیت الله بهشتی به همراه ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسیدند، شما نیز قرار بود در آن جلسه حضور داشته باشید، چه شد که نرفتید؟

یادم است که من در بیمارستان بالای سراقای خامنه ای بودم که محمدرضا کلاهی که عامل نفوذی منافقین در حزب جمهوری اسلامی بود و آن موقع هنوز ما خبر نداشتم، چند بار با من تماس گرفت و گفت: دکتر منافی، حتما در جلسه امشب حزب حضور داشته باشید. امشب یک جلسه خیلی مهمی است. من هم گفتم که آقای خامنه ای مجروح شده و باید به ایشان برسم. این تماس چندبار دیگر هم تکرار شد تا اینکه من با توجه به این که جلسه مهم بود، حرکت کردم به سمت دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در خیابان سرچشمه که البته تاخیر حرکت کردم و میانه راه خبر را شنیدم.

چطور از حادثه مطلع شدید؟

اول شهید رجایی به من زنگ زد که همین تماس خودش خیلی عجیب بود، چون اولین بار بود که ایشان شخصا در من تماس می گرفت. آن موقع موبایل نبود و نهایتاً تلفن های خطی وجود داشت اما دولت به مسئولان نظام در ماشین هایشان یک خط تلفن داده بود که از این طریق مسئولان می توانستند با هم تماس بگیرند. شهید رجایی هم از همین طریق مستقیماً از ماشین خودشان، ماشین ما را گرفته بود. از من پرسید که برادر منافی کجایی؟ گفتم دارم می روم جلسه حزب و توی راهم. گفت حتماً برو آنجا یک اتفاقی افتاده برو ببین و به من خبر بده... که من خیلی نگران شدم، بعد در فاصله رسیدن تا دفتر حزب، چند تماس دیگر هم با من گرفته شد و فهمیدم آنجا هم بمب گذاری شده و آیت الله بهشتی که آن موقع رئیس دیوان عالی کشور بود، به همراه دوستان دیگری مثل حجت الاسلام محمد منتظری، حسن عباسپور که آن موقع وزیر نیرو بود، محمود قندی که وزیر پست و تلگراف و تلفن بود، موسی کلانتری که وزیر راه و ترابری بود و بسیاری دیگر به شهادت رسیده بودند.

وقتی من رسیدم سرچشمه، دیدم از دفتر حزب، از آن ساختمان بزرگ دیگر چیزی باقی نمانده و همه جا ویران شده. جنازه حاضران در مجلس همه جا دیده می شد و همه مشغول آواربرداری و امدادسانی بودند. می گفتند تعدادی از جنازه ها را برده اند اما تا جایی که می شد دید زمین پر از جنازه بود و شدت انفجار هم به اندازه ای بود که بیشتر پیکرها سالم نبودند. من آنجا دنبال شهید بهشتی گشتم که پیدا نکردم و گفتم که تعدادی از اجساد را منتقل کرده اند به بیمارستان شفا یحیانیان. من سریع خودم را رساندم آنجا. گفتم که می خواهم پیکر شهید بهشتی را ببینم. اما گفتند اینجا نیست. من آمدم بیرون و دو سه تا بیمارستان دیگر هم رفتم آخرش فهمیدم که پیکر ایشان در همان بیمارستان شفا یحیانیان بوده و از

دیروز یعنی ترور آقای خامنه ای جلسه داشتیم.

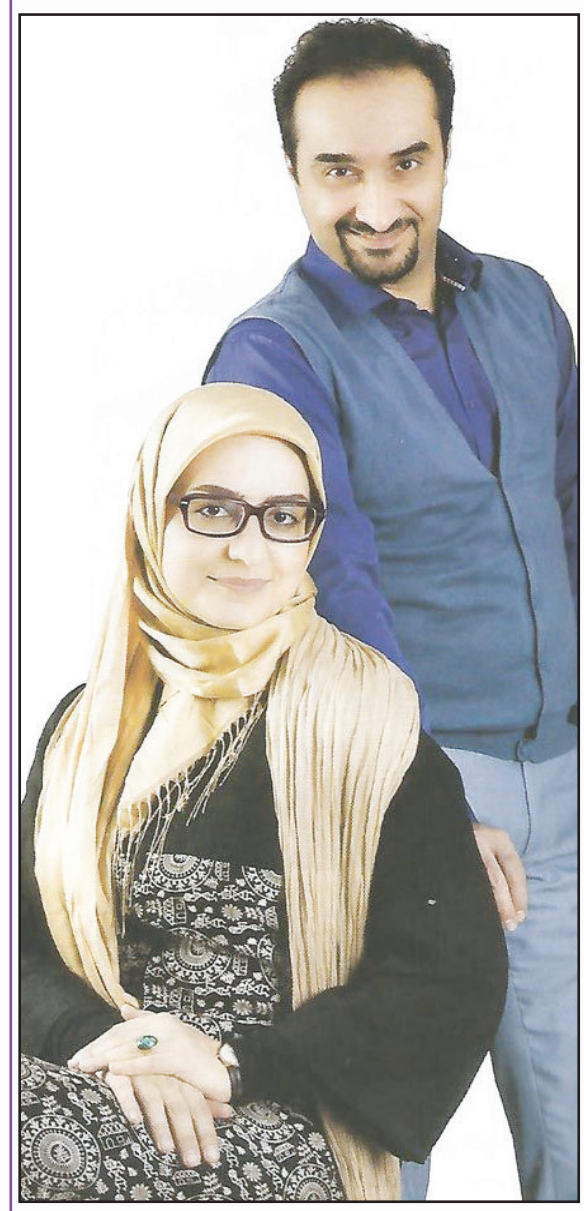
ابتدای گفت و گو اشاره داشتید که حضرت آقا، آن زمان به دلیل ترور ششم تیر در بیمارستان بستری بودند و شما هم روند درمان را پیگیری می کردید، می خواهم بدانم در آن شرایط خاص ماجرای انفجار دفتر حزب را چگونه به اطلاع آقای خامنه ای رساندید؟

ما پنهان کرده بودیم. چرا همکاری نمی کردیم، مگر شما وزیر بهداشتی نبودید؟

بهداری هشتم می خواهم از وضعیت ایشان مطلع شوم اما حتی به من هم نمی گفتند. البته آن موقع هنوز خیلی از کارکنان بیمارستانها از دوران شاه باقی مانده بودند و حتی حرف من را وزیر بهداشتی را نمی خواندند. تا اینکه بالاخره بعد از دو ساعت پیکر ایشان را در سردخانه به من نشان دادند. من رفتم داخل سردخانه، از این سردخانه هایی بود که هرطرف چهارطبقه کشو داشت، دیدم داخل یکی از کشوها، پیکر شهید بهشتی را گذاشته اند و در بقیه کشوها پیکر دیگر شهدای آن حادثه را. پیکر شهید بهشتی طوری بود که به خاطر شدت انفجار فقط سر و صورت اش از سینه به بالا سالم بود و از بقیه پیکر ایشان چیزی باقی نمانده بود. من وقتی ایشان را دیدم با شهید رجایی تماس گرفتم و ماجرا را اطلاع دادم و گفتم آقا جریان این است. ایشان گفت که خودم هم باید بروم. بیستم گفتم پس سریع خودتان را برسانید چون می خواهند پیکر شهید را به پزشکی قانونی منتقل کنند. شهید رجایی خیلی سریع خودش را رساند و با هم رفتم پیکر آقای بهشتی را دیدیم. من رفتم از دوستان را دیدیم. وقتی اینها از اتاق بیرون رفته بودند آقای خامنه ای رو کرده بودند به سمت حال آقای بهشتی خبر دادید؟ ایشان هم گفته بودند بله باخبرم. آقا پرسیده بودند که از ایشان مراقبت جدی می شود؟ کجا بستری هستند به ایشان سر می زنید؟ دکتر میلانی با بعضی از اتاق ایشان بیرون رفته بود و وقتی دوباره برگشته بودند ماجرا را اطلاع داده بودند و اسم همه شهدای حزب را به حضرت آقا گفته بودند.

خوارگندی

وقتی مجریان برنامه نمی دانستند که روی آنتن هستند!



دیروز یعنی ترور آقای خامنه ای جلسه داشتیم.

ابتدای گفت و گو اشاره داشتید که حضرت آقا، آن زمان به دلیل ترور ششم تیر در بیمارستان بستری بودند و شما هم روند درمان را پیگیری می کردید، می خواهم بدانم در آن شرایط خاص ماجرای انفجار دفتر حزب را چگونه به اطلاع آقای خامنه ای رساندید؟

ما پنهان کرده بودیم. چرا همکاری نمی کردیم، مگر شما وزیر بهداشتی نبودید؟

بهداری هشتم می خواهم از وضعیت ایشان مطلع شوم اما حتی به من هم نمی گفتند. البته آن موقع هنوز خیلی از کارکنان بیمارستانها از دوران شاه باقی مانده بودند و حتی حرف من را وزیر بهداشتی را نمی خواندند. تا اینکه بالاخره بعد از دو ساعت پیکر ایشان را در سردخانه به من نشان دادند. من رفتم داخل سردخانه، از این سردخانه هایی بود که هرطرف چهارطبقه کشو داشت، دیدم داخل یکی از کشوها، پیکر شهید بهشتی را گذاشته اند و در بقیه کشوها پیکر دیگر شهدای آن حادثه را. پیکر شهید بهشتی طوری بود که به خاطر شدت انفجار فقط سر و صورت اش از سینه به بالا سالم بود و از بقیه پیکر ایشان چیزی باقی نمانده بود. من وقتی ایشان را دیدم با شهید رجایی تماس گرفتم و ماجرا را اطلاع دادم و گفتم آقا جریان این است. ایشان گفت که خودم هم باید بروم. بیستم گفتم پس سریع خودتان را برسانید چون می خواهند پیکر شهید را به پزشکی قانونی منتقل کنند. شهید رجایی خیلی سریع خودش را رساند و با هم رفتم پیکر آقای بهشتی را دیدیم. من رفتم از دوستان را دیدیم. وقتی اینها از اتاق بیرون رفته بودند آقای خامنه ای رو کرده بودند به سمت حال آقای بهشتی خبر دادید؟ ایشان هم گفته بودند بله باخبرم. آقا پرسیده بودند که از ایشان مراقبت جدی می شود؟ کجا بستری هستند به ایشان سر می زنید؟ دکتر میلانی با بعضی از اتاق ایشان بیرون رفته بود و وقتی دوباره برگشته بودند ماجرا را اطلاع داده بودند و اسم همه شهدای حزب را به حضرت آقا گفته بودند.

هنگام پخش آهنگی از حامد همایون در برنامه جشن دعوت که به صورت زنده از شبکه همانی است که در واقعیت یک سیما پخش می شد دو زندگی مان هم وجود دارد مجری آقا و خانم برنامه که زن و دوست نداریم برای مردم و شوهر هستند یکدیگر را در نقش بازی کنیم. ما در این اجراها از فضای همیشگی مان دور نمی شویم و فقط سعی زینب زارع در مصاحبه ای که کادربندی شده باشد چون مردم و سنگین است؛ به ویژه اگر برنامه هایی را می پستند که روی آنتن زنده باشید. من حواشی بی جهت نداشته باشد. به شخصه اجراهای دونفره با خدا را شکر بازخوردی که از شوهرم را دوست دارم و فکر مردم گرفته ایم خوب است.

از نگاه دوربین یاد و خاطره قربانیان سلاح های شیمیایی و میکروبی گرمای باد



یاد و خاطره قربانیان سلاح های شیمیایی و میکروبی گرمای باد

هجوم ۴۰۰ گاو به قبرستانی در انگلیس



هجوم یک گله گاو به قبرستانی در یکی از شهرهای انگلیس موجب تخریب آرامگاه های آن شد. به گفته یکی از شاهدان عینی ماجرا یک گله شامل ۴۰۰ رأس گاو پس از شکستن حصار اطراف قبرستان گلاسترشایر وارد آن شده و خسارات بسیاری به آرامگاه های آن وارد کردند. گاوها علاوه بر شکستن سنگ قبرها، حجم زیادی از گل و لای را با خود به داخل قبرستان آوردند. تاکنون علت اصلی هجوم این گله آرامگاه ها را متقبل شده اند.

گلاسترشایر، انگلیس موجب تخریب آرامگاه های آن شد. به گفته یکی از شاهدان عینی ماجرا یک گله شامل ۴۰۰ رأس گاو پس از شکستن حصار اطراف قبرستان گلاسترشایر وارد آن شده و خسارات بسیاری به آرامگاه های آن وارد کردند. گاوها علاوه بر شکستن سنگ قبرها، حجم زیادی از گل و لای را با خود به داخل قبرستان آوردند. تاکنون علت اصلی هجوم این گله آرامگاه ها را متقبل شده اند.